

رابطه بین قربانی قلدری و افکار خودکشی در میان نوجوانان: نقش علائم افسردگی و تفاوت های جنسیتی

سید سجاد یوسفزاده شیرازی^۱، مریم زرنقاش^۲

^۱ کارشناسی ارشد، روان شناسی بالینی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

^۲ استادیار، دکترای روان شناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین قربانی قلدری و افکار خودکشی در نوجوانان و همچنین تعیین نقش واسطه ای علائم افسردگی و نقش تعدیل گر جنسیت انجام شد. این پژوهش از نوع کمی و همبستگی بود. جامعه آماری شامل نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله مشغول به تحصیل در مدارس متوسطه ناحیه ۲ شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. نمونه ای شامل ۲۰۰ دانش آموز با روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای از ۶ مدرسه (۳ مدرسه دخترانه و ۳ مدرسه پسرانه) انتخاب شد. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه قربانی قلدری آنیادو و همکاران (۲۰۱۶)، مقیاس افکار خودکشی بک (۱۹۶۱) و پرسشنامه افسردگی بک (۱۹۶۰) بود. داده ها با استفاده از مدل یابی معادلات ساختاری و روش بوت استرپ در نرم افزارهای SPSS ۲۴ و SmartPLS ۳ تحلیل شدند. نتایج نشان داد بین قربانی قلدری و افکار خودکشی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد $t=9/931$ ، $\beta=0/469$. همچنین علائم افسردگی در رابطه بین قربانی قلدری و افکار خودکشی نقش میانجی معناداری ایفا کرد $t=4/093$ ، $\beta=0/184$. این یافته بیانگر آن است که تجربه قلدری می تواند از طریق افزایش نشانه های افسردگی، احتمال شکل گیری افکار خودکشی را در نوجوانان افزایش دهد. در مقابل، نقش تعدیل گر جنسیت در رابطه بین قربانی قلدری و افکار خودکشی معنادار نبود $t=1/146$ ، $\beta=0/054$. بنابراین تفاوت معناداری میان دختران و پسران در این رابطه مشاهده نشد. قربانی شدن در قلدری به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق افزایش علائم افسردگی با افکار خودکشی در نوجوانان مرتبط است. از این رو، شناسایی و کاهش رفتارهای قلدری در مدارس و اجرای مداخلات پیشگیرانه و درمانی برای کاهش علائم افسردگی می تواند در کاهش خطر افکار خودکشی در نوجوانان مؤثر باشد. همچنین یافته ها نشان دادند که جنسیت در این رابطه نقش تعیین کننده ای ندارد.

واژه های کلیدی: قربانی قلدری، افکار خودکشی، علائم افسردگی، جنسیت.

مقدمه

قلدری در مدرسه یکی از مهم ترین مسائل روانی - اجتماعی دوران نوجوانی است و به رفتارهای پرخاشگرانه ای اشاره دارد که از سوی یک یا چند فرد دارای قدرت جسمانی یا اجتماعی بیشتر، به صورت مکرر علیه فردی آسیب پذیرتر اعمال می شود. این پدیده می تواند به شکل های مختلفی مانند قلدری فیزیکی، کلامی، رابطه ای، عاطفی و سایبری بروز کند و صرفاً محدود به مدارس نیست، بلکه در سطوح بالاتر آموزشی نیز مشاهده می شود. (چن، کای، هه، لیانگ، ون، ژانگ و همکاران، ۲۰۲۵) شواهد جهانی نشان می دهد که شمار قابل توجهی از کودکان و نوجوانان در معرض تجربه انواع قلدری قرار دارند و این مسئله به یکی از نگرانی های جدی بین المللی در حوزه سلامت روان دانش آموزان تبدیل شده است (امیری مصور و همکاران، ۱۴۰۲). پژوهش های انجام شده در کشورهای مختلف نشان داده اند که میزان شیوع قلدری تحت تأثیر عواملی مانند فرهنگ، روش سنجش، نوع نمونه گیری و شرایط اجتماعی متفاوت است. برای نمونه، در چین قلدری مدرسه ای با وجود تفاوت های منطقه ای، در میان دانش آموزان شیوع قابل توجهی دارد (شیخعلی زاده و همکاران، ۱۴۰۱) همچنین مطالعات نشان می دهد که میان قربانی شدن در قلدری و پیامدهای منفی روان شناختی مانند افسردگی، مشکلات سازگاری، افکار خودکشی و حتی رفتارهای خودآسیب رسان رابطه وجود دارد. تجربه قلدری می تواند خطر افکار و رفتارهای خودکشی را در میان نوجوانان افزایش دهد. (اوپارا، ویراکون، بروکس استیفنز، چو، گان و تراشر، ۲۰۲۵)

با وجود این، بسیاری از پژوهش های پیشین بیشتر بر جوامع غربی تمرکز داشته اند و نقش متغیرهای میانجی و تعدیل گر، به ویژه علائم افسردگی و جنسیت، کمتر به صورت همزمان بررسی شده است. (ژائو و یائو، ۲۰۲۲) از سوی دیگر، انواع مختلف قلدری اثرات یکسانی ندارند؛ قلدری کلامی معمولاً رایج ترین نوع قلدری در مدارس است و پس از آن قلدری فیزیکی و رابطه ای قرار می گیرد. همچنین برخی مطالعات نشان داده اند که قلدری رابطه ای در مقایسه با قلدری فیزیکی، اثر عمیق تر و پایداری بیشتری بر افسردگی و افکار خودکشی دارد (هوانگ، هو و چونگ، ۲۰۲۴). بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که قربانی شدن در قلدری، با در نظر گرفتن ابعاد کلامی، فیزیکی، رابطه ای و سایبری، چگونه با افکار خودکشی نوجوانان ارتباط دارد و آیا علائم افسردگی و جنسیت می توانند این رابطه را توضیح یا تغییر دهند؟ و آیا بین قربانی قلدری و افکار خودکشی در نوجوانان، با نقش واسطه ای علائم افسردگی و نقش تعدیل گر جنسیت، رابطه معناداری وجود دارد؟

بر این اساس فرضیه های اصلی پژوهش به قرار زیر است:

۱. علائم افسردگی در رابطه بین قربانی قلدری و افکار خودکشی تأثیر معناداری دارد.
۲. بین قربانی قلدری و افکار خودکشی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. جنسیت در رابطه بین قربانی قلدری و افکار خودکشی تأثیر معناداری دارد.

اهمیت پژوهش حاضر از چند جنبه قابل توجه است. نخست آنکه بررسی همزمان چهار بعد قلدری شامل قلدری کلامی، فیزیکی، رابطه ای و سایبری در ارتباط با افکار خودکشی، همراه با نقش افسردگی و جنسیت، می تواند شکاف موجود در ادبیات پژوهشی را کاهش دهد. در داخل کشور نیز پژوهش های محدودی به صورت مستقل و جامع به این موضوع پرداخته اند؛ بنابراین مطالعه حاضر از نظر موضوعی و مکانی دارای نوآوری است.

مبانی نظری

خودکشی

واژه «خودکشی» برای نخستین بار در سال ۱۷۳۷ توسط دفونتن فرانسوی به کار برده شد و این اصطلاح ۲۵ سال بعد یعنی در سال ۱۷۶۲ توسط آکادمی علوم فرانسه پذیرفته شد و جزو لغات فرهنگستان آن کشور شد. (اوپارا، ویراکون، بروکس استیفنز، چو، گان و تراشر، ۲۰۲۵) واژه «Suicide» مرکب از دو لغت لاتین «Sui» به معنی خود و «cide» به معنای کشتن است. خودکشی به عنوان یک رفتار، مرگی است که به دست خود شخص انجام می گیرد و به گفته اشنادیمین «خودکشی عمل

آگاهانه آسیب رساندن به خود است که می‌توان آن را یک ناراحتی چند بعدی در انسان نیازمندی دانست که برای مسأله تعیین شده، این عمل را بهترین راه حل تصور می‌کند.» بر مبنای تعریف مرکز مطالعات انستیتو ملی بهداشت روانی آمریکا، خودکشی تلاشی آگاهانه به منظور خاتمه دادن به زندگی شخصی است که شاید این تلاش به اقدام تبدیل شود یا فقط به شکل احساسی در فرد بماند.» (علیجان‌زاده کاشی و زربخش بحری، ۱۳۹۸) دورکیم نیز خودکشی را این گونه تعریف می‌کند: «خودکشی به هر حالتی از مرگ اطلاق می‌شود که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم عملی باشد که شخص قربانی آن را انجام داده و از نتیجه عملش آگاه بوده است.» در این تعریف برای آنکه اصطلاحات «مستقیم» و «غیرمستقیم» تشریح شود باید به مفاهیم «کردار مثبت» و «کردار منفی» تعریف شود؛ «کردار مثبت» مثل این است که فرد گلوله‌ای را در شقیقه خود خالی کند. (کیوانلو شهرستانی، ۱۳۹۶) «کردار منفی» مانند آن است که انسان خانه‌ای را که در آتش شعله‌ور است ترک نکند یا آنقدر از خوردن غذا خودداری کند که بمیرد. اصطلاحات «مستقیم» یا «غیرمستقیم» بازگو کننده تمایز همانند با تمایز مثبت و منفی است. یک گلوله در شقیقه مستقیماً به مرگ می‌انجامد، در حالی که ترک نکردن خانه‌ای شعله‌ور در آتش یا امتناع از خوردن غذا ممکن است غیرمستقیم یا نهایتاً به نتیجه منظور یعنی به مرگ کشیده شود یا نتیجه آن مرگ نباشد (بخارایی، ۱۳۹۱). پدیده خودکشی که از عوارض مهم دنیای صنعتی عصر حاضر است بیشتر متأثر از نا به سامانی‌ها، اختلال‌های روانی و نابرابری‌های اجتماعی است. دورکیم در کتاب "تقسیم کار" خود بر این اعتقاد است که "خودکشی همراه با تمدن ظاهر می‌شود و یا حداقل آن چه به شکل خودکشی در جوامع فروتر ملاحظه می‌شود، خصوصیات ویژه‌ای دارد ...". (بخارایی، ۱۳۹۱). امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷) در اثر معروف خود به نام خودکشی آن را پدیده‌ای اجتماعی به شمار آورده و چنین تعریف می‌کند: "خودکشی عبارت است از هر نوع مرگی که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم کردار منفی یا مثبت خود قربانی است که می‌بایست چنان نتیجه‌ای به بار آورد. "هم چنین می‌توان به تعریف دشه اشاره کرد که می‌گوید: "اقدامی معمولاً از روی آگاهی برای سر به نیست کردن خود به آن ترتیب که مرگ هدف یا وسیله باشد." (کیوانلو شهرستانی، ۱۳۹۶؛ منتظری و همکاران، ۱۳۹۲؛ موحدی و همکاران، ۱۳۹۲) آشیل دلماس نیز خودکشی را عبارت می‌داند از "عملی که به وسیله‌ی شخص برای معدوم ساختن خود انجام می‌دهد، در حالی که اختیار مرگ و زندگی در حیطه قدرت اوست و از لحاظ اخلاقی موظف به انجام این عمل نمی‌باشد. مین جر روانشناس، میل به مرگ را نزد فرد خودکش آرامشی می‌داند که در اثر تنشهای جامعه - محدودیت‌های اجتماعی و اخلاق، که توانسته مانع از رهاشدن انرژی پرخاشگری و جنسی فرد شود و در نهایت فشار داخلی پدید می‌آورد - به آن دست پیدا کرده است. (نونیز-فادا، کاسترو-کاستانیدا، وارگاس-خیمنز، موسیتو-اوچوا و کایخاس-خرونیمو، ۲۰۲۲)

قلدری

اصطلاحات «پرخاشگری» و «قلدری» اغلب به جای یکدیگر بکار می‌روند؛ با این حال، تعدادی از محققان به روشنی تفاوت این دو اصطلاح را توضیح داده‌اند. پرخاشگری همسالان معمولاً به انجام تعمودی رفتار منفی در رابطه با دیگر همسالان گفته می‌شود. قلدری زیرمجموعه‌ای خاص از رفتارهای پرخاشگرانه است که فرد یا گروه در مقابل یک یا چند شخص دیگر انجام می‌دهند، البته باید ویژگی‌های اصلی زیر را در برگیرد. (استروهاکر، رایت و واتس، ۲۰۲۱)

(۱) رفتار قلدرانه به قصد آسیب رساندن یا ایجاد مزاحمت برای قربانی صورت می‌گیرد. برخی از محققان نگرانی‌هایی در مورد استفاده از عمدی بودن را به عنوان ملاک قلدری مطرح کرده‌اند، زیرا ممکن است به راحتی متوجه نشوید که آیا فرد علی‌رغم آسیب رساندن به یک فرد دیگر، برای او اهمیت قائل است. این موضوع منجر به وضع ملاک دوم می‌شود. (حسنی و میرآقایی، ۱۳۹۱)

(۲) رفتار قلدری در طول یک دوره زمانی طولانی مدت تکرار می‌شود. تکرار رفتار قلدرانه به این دلیل به عنوان یک معیار در نظر گرفته می‌شود تا نسبت به جنبه تعمودی منفی رفتار، بیشتر مطمئن شویم. با این حال، تکرارپذیر بودن قلدری یک معیار کاملاً ضروری نیست (ریاحی و محمودآبادی، ۱۳۹۵). در حقیقت قلدری با عدم تعادل قدرت واقعی یا ادراک شده به وجود

می آید، قلدری سوءاستفاده نظاممند از قدرت بین قلدر و قربانی است، شخص (یا گروهی) با قدرت بیشتر به یک فرد ضعیف تر که نمی تواند به راحتی از خود دفاع کند، حمله می کند. عدم تعادل قدرت می تواند فیزیکی باشد که در آن شخص قلدر بزرگتر از قربانی است یا اجتماعی باشد که قلدر به لحاظ اجتماعی قوی تر و تأثیرگذارتر از فرد قربانی است، وقتی دو کودک یا نوجوان با نیروی روانی و فیزیکی مشابه در حال مبارزه هستند، قلدری روی نداده است. (کاپلان و سادوک، ۱۳۸۹) به طور کلی، سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۲) رفتارهای قلدرانه را به عنوان «استفاده عمدی از قدرت یا نیروی جسمی و روانی، تهدید یا آزار واقعی علیه خود، شخص دیگری، یا علیه یک گروه یا جامعه است که یا منجر به نتیجه می شود یا به احتمال زیاد سبب بروز آسیب، مرگ، ضربه روانی، رشد ناقص، و یا محرومیت می شود» تعریف کرده است. (کرومر، ویلوداس و چو، ۲۰۱۹)

درگیر شدن در قلدری: تحقیقات به طور پیوسته چهار زیرگروه درگیر در پدیده قلدری را معرفی می کنند: قربانی، قلدر، قلدر - قربانی و تماشاچی. (امیری مصور و همکاران، ۱۴۰۲)

الف) قربانیان: به طور کلی، قربانیان به عنوان افراد کم سن و سالتر، کوتاهتر و ضعیف تر از همسالانشان توصیف می شوند. قربانیان اغلب از لحاظ اجتماعی ضعیف هستند، اضافه وزن دارند، از نظر جسمی و فیزیکی جذاب نیستند و یا پوشش غیر متعارفی دارند قربانیان به دو دسته تقسیم شده اند. ۱) قربانی غیرفعال، مطیع و یا کلاسیک که رایج ترین شکل قربانی شدن است. مشخصه های این نوع قربانی شدن، واکنش های همراه با اضطراب و ضعف فیزیکی است. ۲) قربانی تحریک کننده که واکنش اضطرابی را با واکنش تهاجمی نسبت به دیگران با همدیگر ترکیب می کنند. محققان همچنین به قربانیان تحریک کننده به عنوان قربانی پرخاشگر یا قربانی قلدر که جزئیات بیشتر آن در ادامه شرح داده شده است، اشاره می کنند. (چن، کای، هه، لیانگ، ون، ژانگ و همکاران، ۲۰۲۵)

ب) قربانی - قلدر: مطالعات اخیر نشان می دهد که برخی از افراد، نه کاملاً «قلدر» و نه کاملاً «قربانی» هستند و ممکن است در امتداد پیوستار قربانی - قلدر باشند. این دسته از افراد، قربانی «پرخاشگر» یا «تحریک کننده» نامیده می شوند. ویژگی مشخص افراد قربانی - قلدر، مشارکت در موقعیت های قلدری هم به عنوان مجرم و خطاکننده و هم به عنوان قربانی است. (ریاحی و محمودآبادی، ۱۳۹۵؛ شریف پور، ۱۳۹۹؛ علیجان زاده کاشی و زربخش بحری، ۱۳۹۸)

ج) قلدرها: به طور کلی، قلدرها یک گروه همگن نیستند. قلدرها را می توان به افراد «فعال» و یا سوءاستفاده کنندگان «منفعل» («مضطرب») که در عملکرد متفاوت هستند و اغلب آنها در رفتار قلدری شرکت می کنند، طبقه بندی کرد. سوءاستفاده کننده فعال شخصاً فرد قربانی را آزار می دهد و سوءاستفاده را هدایت می کند و دیگر اعضای گروه را به حمایت از این نوع رفتارها هدایت می کند. قلدر منفعل یا مضطرب در یک موقعیت رفتار قلدری به جای اینکه رهبر باشد، دنبال کننده و اجراکننده است. (ویلیامز، لانگینریشسن-رولینگ، وورنل و فینگان، ۲۰۱۷)

د) تماشاچیان: تحقیقات نشان داده است که قلدری یک پدیده گروهی است، نه یک پدیده فردی که تنها شامل قلدر و قربانی باشد. در دهه های گذشته توجه بیشتری به تحقیق در مورد تماشاچیان پدیده قلدری معطوف شده است. تماشاچیان قلدری بینندگان، ناظران و شاهدان هستند. نقش تماشاگران بسیار مهم است؛ کسانی که قلدری را مشاهده می کنند، می توانند میانجی کننده باشند، میتوانند فضای بخشش و عذرخواهی کردن و سازگار شدن ایجاد کنند و یا با تشویق کردن قلدر به قلدری کردن خود نیز دست به قلدری بزنند. (نونیز-فادا، کاسترو-کاستانیدا، وارگاس-خیمنز، موسیتو-اوچوا و کایخاس-خرونیمو، ۲۰۲۲)

پیشینه مطالعاتی پژوهش

امیری مصور و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان ارتباط افکار خودکشی با خودانتقادی و افسردگی در دانشجویان کارشناسی پرستاری را بررسی کردند. در این مطالعه مقطعی-همبستگی ۳۷۱ نفر از دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال تحصیلی ۱۴۰۱ بصورت سرشماری وارد مطالعه شدند. یافته‌های مطالعه نشان داد که بین افکار خودکشی و افسردگی ارتباط قوی، مثبت و معنادار وجود داشت همچنین در تست تحلیلی رگرسیون چند متغیره، متغیر مستقل افسردگی به طور معناداری، پیش بین افکار خودکشی بود. اما بین افکار خودکشی با خودانتقادی ارتباط معنی دار وجود نداشت و در رگرسیون چند متغیره، متغیر مستقل خودانتقادی به طور معناداری، پیش بین افکار خودکشی بود. اکبری مطلق و همکاران (۱۴۰۱)، پژوهشی با عنوان رفتارهای خودآسیب‌رسان در دختران نوجوان احتمال خودکشی، نقش عوامل روان‌شناختی و تأثیر همسالان انجام دادند. این مطالعه به روش توصیفی همبستگی صورت گرفت. جامعه آماری شامل نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت مشهد بود که در بازه زمانی سه‌ماهه اول سال ۱۳۹۹ در مراکز زندان مشهد، به سر می‌بردند. تعداد ۱۴۸ نفر بر اساس فرمول کوکران انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که نقایص تنظیم هیجانی، خودانتقادی و الگوگیری از خودجرحی همسالان به‌صورت معناداری خودآسیب‌رسانی مستقیم را پیش‌بینی می‌کنند.

شیخعلی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان نقش تشخیصی خودبازداری، معنا در زندگی و افسردگی در احتمال خودکشی دانش آموزان را بررسی کردند. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان اسکو در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود که با توجه به جدول کرجسی و مورگان، ۷۶۶ نفر از آن‌ها با دو روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و روش هدفمند انتخاب شدند. یافته‌های تحلیل تشخیصی، منجر به یک تابع تشخیص معنادار شد که طبق این تابع متغیر افسردگی و مؤلفه‌های کنترل تکانه و مسئولیت‌پذیری دارای بالاترین توان تمایز بودند. مؤلفه‌های بعدی متمایزکننده گروه‌ها به ترتیب مؤلفه‌های کنترل خشم، وجود معنا، جستجوی معنا و مراعات دیگران بودند.

کرسوی و صدوقی (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان خوشه‌بندی رفتار قلدری دانش‌آموزان نوجوان بر پایه شایستگی اجتماعی و ترجیح اجتماعی انجام دادند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی با طرح خوشه‌بندی اکتشافی بود. جامعه آماری این پژوهش، نوجوانان ۱۳ تا ۱۵ ساله شهر کاشان بودند که از بین آن‌ها نمونه‌ای به حجم ۴۱۴ نفر (۲۰۲ دختر و ۲۱۲ پسر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. خوشه‌بندی داده‌ها به روش سلسله مراتبی حاکی از وجود چهار خوشه مجزا از دانش‌آموزان بود که روایی آماری و تجربی آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت: محبوب (۳۵/۹۹ درصد)، قلدر (۲۰/۷۷ درصد)، شایسته اجتماعی (۲۶/۸۱ درصد)، قربانی (۱۶/۴۲ درصد). همچنین مقایسه خوشه‌ها در متغیرهای جنسیت، رفتار اجتماعی عملی و ارتباطی، رفتار ضداجتماعی آشکار و رابطه‌ای و رفتار قربانی نشان داد که خوشه‌بندی انجام شده از اعتبار کافی برخوردار است. شریف‌پور (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان پیش بینی افکار خودکشی براساس ترومای دوران کودکی و رفتار قلدری در بین دانش آموزان متوسطه دوم شهرستان مریوان، بررسی کردند. جامعه آماری پژوهش را تمامی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم مریوان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ تشکیل داد که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای ۳۸۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که بین ترومای دوران کودکی با افکار خودکشی و رفتار قلدری رابطه معناداری وجود دارد.

شهبازیان (۱۳۹۸)، پژوهشی با عنوان نقش تشخیصی قلدری و هوش اخلاقی در احتمال خودکشی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهر سنندج در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ انجام داد. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه دوم شهر سنندج در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود که ۶۴۱ نفر از آن‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. یافته‌های تحلیل تشخیصی، منجر به یک تابع تشخیص معنادار شد که طبق این تابع مؤلفه درستکاری دارای بالاترین توان در تمایز دو گروه از دانش آموزان بود. مؤلفه‌های بعدی متمایزکننده گروه‌ها به ترتیب دلسوزی، بخشش، قربانی، زد و خورد و قلدری بودند. همچنین، نتایج تحلیل تشخیصی نشان داد که همه دانش آموزان با احتمال خودکشی پایین با بالاترین درصد تشخیص (۱۰۰ درصد) به درستی از سایر دانش آموزان مجزا شده‌اند.

علیجان زاده کاشی و زربخش بحری (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان تاثیر جنسیت در تعامل با اعتیاد بر افسردگی و افکار خودکشی را بررسی کردند. جامعه‌ی آماری پژوهش را معتادان زن و مرد حاضر در مراکز ترک اعتیاد شهرستان بابل و خانواده‌هایشان که دارای مشکل اعتیاد نبودند به عنوان جامعه غیر معتاد تشکیل دادند. برای نمونه از جامعه‌ی معتادان ۳۵ مرد و ۳۵ زن به شیوه‌ی تصادفی ساده (قرعه کشی) و از جامعه‌ی غیر معتادان (خانواده‌ی افراد معتاد)، ۳۵ مرد و ۳۵ زن به شیوه‌ی در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد جنسیت در تعامل با اعتیاد بر افسردگی و افکار خودکشی تاثیر دارد. بر اساس اطلاعات بدست آمده افسردگی و افکار خودکشی در زنان بیشتر از مردان است. همچنین میزان افسردگی و افکار خودکشی در معتادان بیشتر از غیر معتادان است. در نتیجه میزان افکار خودکشی و افسردگی در زنان معتاد بیشتر از غیر معتاد است و همچنین گروه معتاد در مقایسه با غیر معتاد از افسردگی و افکار خودکشی بیشتری رنج می‌برند. پورعزت الله و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی به بررسی رابطه مزاحمت‌های سایبری با آسیب پذیری روانی و افکار خودکشی در دانشجویان دختر و پسر پرداختند. روش پژوهش از نوع همبستگی بود. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۲۰ نفر بود که به روش نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ از بین دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه لرستان انتخاب و در این پژوهش شرکت کردند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسش نامه‌های اطلاعات جمعیت شناختی، آسیب پذیری روانی، افکار خودکشی و مزاحمت سایبری استفاده شد. داده‌های جمع آوری شده نیز با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و Z فیشر تحلیل شد. نتایج نشان داد، در میزان همبستگی نمره کلی افکار خودکشی با زیرمؤلفه‌های مزاحمت سایبری (قلدری و قربانی) بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد و همچنین بین دو گروه در متغیرهای آمادگی برای خودکشی با قربانی و تمایل به خودکشی واقعی با قلدری تفاوت معنی داری وجود دارد. در مجموع نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ممکن است مزاحمت‌های سایبری، افکار خودکشی و آسیب پذیری روانی را به دنبال داشته باشد و در این بین میزان افکار خودکشی دختران نسبت به پسران تفاوت معنی داری وجود دارد. نجفی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی اضطراب، استرس و افسردگی با افکار خودکشی دختران نوجوان با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای قربانی قلدری پرداختند. به این منظور در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵، ۳۰۰ نفر از دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی (پایه ی هفتم و هشتم) مدارس دولتی شهرستان پاکدشت به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه‌های افکار خودکشی، اضطراب، استرس و افسردگی و قربانی قلدری را تکمیل کردند. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که بین اضطراب، استرس، افسردگی و قربانی قلدری با افکار خودکشی، رابطه ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین متغیر قربانی قلدری نقش واسطه‌ای در ارتباط بین متغیرهای پژوهش داشته و تمام اثرات مستقیم و غیر مستقیم اضطراب، استرس، افسردگی و قربانی قلدری بر روی افکار خودکشی معنی‌دار بوده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر رویکرد، کمی و از نظر روش، توصیفی - همبستگی بود که با هدف بررسی رابطه بین قربانی قلدری و افکار خودکشی با نقش واسطه‌ای علائم افسردگی و نقش تعدیل‌گر جنسیت انجام شد. جامعه آماری پژوهش را کلیه نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله مشغول به تحصیل در مدارس متوسطه منطقه ۲ شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ تشکیل دادند. این دانش‌آموزان از زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی متنوعی برخوردار بودند. با توجه به حداقل حجم نمونه پیشنهادی برای پژوهش‌های مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بر اساس نظر مانرو (۲۰۰۹)، حجم نمونه ۲۰۰ نفر تعیین شد. با در نظر گرفتن احتمال ریزش و داده‌های پرت، ابتدا ۲۲۰ نفر انتخاب شدند و در نهایت داده‌های مربوط به ۲۰۰ دانش‌آموز مورد تحلیل قرار گرفت.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. بدین صورت که از میان مدارس متوسطه ناحیه ۲ شهر شیراز، به دلیل همکاری مناسب‌تر این ناحیه با پژوهش، ۶ مدرسه شامل سه مدرسه دخترانه و سه مدرسه پسرانه انتخاب شد. مدارس دخترانه شامل حضرت معصومه، امتیاز و شاهد و مدارس پسرانه شامل معارف و وصال طاها بودند. سپس از هر مدرسه چهار کلاس انتخاب شد و دانش‌آموزان این کلاس‌ها به‌عنوان نمونه پژوهش در نظر گرفته شدند.

برای گردآوری داده‌ها از سه ابزار استاندارد استفاده شد. ابزار نخست، مقیاس افکار خودکشی بک (۱۹۶۱) بود که شامل ۱۹ سؤال است و برای سنجش شدت نگرش‌ها، رفتارها و طرح‌ریزی مرتبط با خودکشی در هفته گذشته به کار می‌رود. این مقیاس سه مؤلفه تمایل به مرگ، آمادگی برای خودکشی و تمایل به خودکشی واقعی را می‌سنجد و در پژوهش‌های پیشین از پایایی و روایی مناسبی برخوردار بوده است. ابزار دوم، پرسشنامه قربانی قلدری آنتیادو و همکاران (۲۰۱۶) بود که برای سنجش تجربه قربانی‌شدن در قلدری در میان دانش‌آموزان طراحی شده و بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. روایی این پرسشنامه توسط متخصصان تأیید شده و پایایی آن در مطالعات داخلی و پژوهش حاضر مطلوب گزارش شده است. ابزار سوم، پرسشنامه افسردگی بک بود که دارای ۲۱ عبارت است و شدت افسردگی را در دو بعد علائم روان‌شناختی و جسمانی ارزیابی می‌کند. نمره کل این پرسشنامه از صفر تا ۶۳ متغیر است و سطوح مختلف افسردگی را مشخص می‌سازد.

برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار استفاده شد. در بخش آمار استنباطی نیز مدل‌یابی معادلات ساختاری و روش بوت‌استرپ به کار رفت. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و SmartPLS نسخه ۳ انجام شد. همچنین اصول اخلاقی پژوهش رعایت گردید؛ به آزمودنی‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات آنان محرمانه باقی می‌ماند، نیازی به ذکر نام نیست و پاسخ‌ها صرفاً برای اهداف پژوهشی استفاده خواهد شد.

یافته‌ها پژوهش

میانگین و انحراف استاندارد شاخص‌های مورد بررسی

برخی ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان به شرح زیر است:

جنسیت پاسخ‌دهندگان

با توجه به جدول مشاهده می‌شود که جنسیت ۴۸/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان مرد و ۵۱/۵ درصد زن است؛ همچنین ۵/۳ درصد به این سوال پاسخ نداده‌اند.

جدول (۱) توزیع جنسیت در نمونه مورد بررسی

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۹۷	۴۸.۵
زن	۱۰۳	۵۱.۵
کل	۲۰۰	۱۰۰.۰

توصیف سن پاسخ دهندگان

با توجه به جدول مشاهده می شود که سن ۴۳/۵ درصد از پاسخ دهندگان ۱۲-۱۴ سال، ۵۲/۵ درصد ۱۵-۱۸ سال بود؛ ۴/۰ درصد به این سوال پاسخ نداده اند.

جدول (۲) توزیع سن در نمونه مورد بررسی

سن	فراوانی	درصد
۱۲-۱۴	۸۷	۴۳.۵
۱۸-۱۵	۱۰۵	۵۲.۵
بدون پاسخ	۸	۴.۰
کل	۲۰۰	۱۰۰.۰

جدول (۳) میانگین و انحراف استاندارد شاخص های مورد بررسی

	متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
افکار خودکشی	داشتن افکار خودکشی	۴.۴۴۵۰	۳.۱۵۷۰۳
	آمادگی جهت خودکشی	۸.۹۷۶۵	۴.۰۴۴۳۳
	قصد اقدام به خودکشی	۵.۵۵۲۹	۲.۷۶۲۴۴
تجربه قربانی قلدری	تجربه قلدری	۵۰.۰۶۵۰	۴.۹۱۵۴۴
	تجربه قربانی	۵۳.۲۷۰۰	۶.۴۶۰۳۲
افسردگی	علائم روانشناختی	۳۷.۱۶۵۰	۶.۴۷۹۷۹
	علائم جسمانی	۱۲.۳۶۰۰	۳.۷۲۸۲۶

بررسی نرمال بودن توزیع داده ها

نتایج آزمون کالموگروف - اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن داده ها در جدول (۴) گزارش شده اند.

جدول (۴) نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف

شاخص	آماره	سطح معنی داری	چولگی	کشیدگی
داشتن افکار خودکشی	۱۶۸	۰۰۰	۰۲۵۶	-۱۰۱۰۹
آمادگی جهت خودکشی	۱۵۳	۰۰۰	-۰۴۱۶	-۱۰۵۳
قصد اقدام به خودکشی	۲۸۳	۰۰۰	-۰۵۹۳	-۱۰۲۰۶
علائم روانشناختی	۱۸۳	۰۰۰	-۰۷۸۳	۰۲۴۳
علائم جسمانی	۰۹۱	۰۰۸۲	-۰۱۸۵	-۰۳۷۲

یافته‌های آزمون کلموگروف - اسمیرنوف نشان داد آزمون کلموگروف - اسمیرنوف معنی‌دار است، اما با توجه به قضیه حدمرکزی و همچنین قرار گیری مقادیر چولگی و کشیدگی در بازه ۲- تا ۲ می‌توان توزیع داده‌های این شاخص‌ها را نیز نرمال فرض کرد.

یافته‌های استنباطی

با توجه به این که توزیع داده‌های متغیرهای مورد بررسی برای شاخص آمادی برای تغییر نرمال نبود بر این اساس به منظور برازش مدل از روش حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم افزار SmartPLS بهره گرفته شد چرا که شرط استفاده از این روش نرمال بودن توزیع داده‌ها نمی‌باشد. یافته‌ها در ادامه ارائه شده اند. مدل برازش شده به صورت زیر می‌باشد. در ابتدا جهت بررسی پایایی و روایی از شاخص‌های پایایی ترکیبی^۱ که مبتنی بر بتای مدل (بارهای عاملی)، و آلفای کرونباخ^۲ که مبتنی بر فرض هم ارزی متغیرهای مشاهده است، استفاده شده است و جهت بررسی روایی همگرا (میزان واریانسی که یک متغیر پنهان از شاخص‌های خود می‌گیرد)، از شاخص واریانس استخراج شده واریانس استخراج شده^۳ استفاده شده است. یافته‌ها در ادامه ارائه شده است.

جدول (۵) شاخص‌های پایایی و روایی همگرا مدل اندازه گیری پژوهش

سازه / متغیر	آلفای کرونباخ (CA)	پایایی ترکیبی (CR)	واریانس استخراج شده AVE
افسردگی	۰۷۰۱	۰۸۶۹	۰۷۶۹
افکار خودکشی	۰۷۴۲	۰۸۵۰	۰۶۵۴
قربانی قلدری	۰۷۹۴	۰۹۰۶	۰۸۲۸

^۱ Composite Reliability

^۲ Cronbach's alpha

^۳ Average Variance Extracted

به منظور بررسی پایایی ابزار از شاخص های پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. از آنجایی که معیار آلفای کرونباخ یک معیار سنتی برای تعیین پایایی سازه ها می باشد، روش PLS از معیار مدرن تری نسبت به آلفا به نام پایایی ترکیبی که توسط ورتس و همکاران (۱۹۷۴) معرفی شده است برای بررسی پایایی استفاده می کند. در نتیجه برای سنجش بهتر پایایی در روش PLS، هر دوی این معیارها به کار برده می شوند. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی برای هر سازه بالای ۰/۷ شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل اندازه گیری دارد. روایی همگرا دومین معیاری است که برای برازش مدل های اندازه گیری در روش PLS به کار برده می شود. معیار AVE میزان همبستگی یک سازه با شاخص های خود را نشان می دهد که هر چه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. معیار AVE (میانگین واریانس استخراجی) را برای سنجش روایی همگرا معرفی کرده اند و اظهار داشتند که در مورد AVE، مقدار بحرانی عدد ۰/۵ است. بدین معنی که مقدار AVE بالای ۰/۵ روایی همگرایی قابل قبول را نشان می دهند (باگوزی و یی^۴، ۱۹۸۸). چنانچه ذکر گردید لازمه تأیید پایایی ترکیبی، بالاتر بودن این شاخص ها از مقدار ۰/۶ و برای تأیید پایایی ابعاد، متغیرهای پرسش نامه ضریب بالاتر از ۰/۷ مد نظر است. با توجه به این که در جدول (۴-۶) تمامی ضرایب آلفای کرونباخ بزرگتر از ۰/۷ و تمامی مقادیر پایایی ترکیبی بزرگتر از ۰/۶ است نشان دهنده قابلیت گویه های مورد بررسی در اندازه گیری ابعاد مورد بررسی است. در مورد AVE باید گفت با توجه به این که مقادیر این شاخص برای همه بزرگتر از ۰/۵ است بدان معنی که یک متغیر مکنون می تواند بطور میانگین بیش از ۵۰ درصد از پراکندگی معرف هایش را تبیین کند. چنانکه مشاهده می شود تمامی شاخص های مورد بررسی در حد مطلوبی قرار دارند. در ادامه بارهای عاملی شاخص ها ارائه شده است.

جدول (۶) بار عاملی هر یک از گویه ها بر روی متغیرهای پژوهش

متغیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	احتمال
افکار خودکشی - آلودگی جهت خودکشی	۰.۸۰۸	۰.۰۴۱	۱۹.۷۷۵	۰.۰۰۰
افکار خودکشی - داشتن افکار خودکشی	۰.۸۱۸	۰.۰۳۱	۲۶.۲۵۴	۰.۰۰۰
افسردگی - علائم جسمانی	۰.۸۸۲	۰.۰۲۲	۴۰.۹۵۹	۰.۰۰۰
افسردگی - علائم روانشناختی	۰.۸۷۲	۰.۰۳۴	۲۵.۴۸۴	۰.۰۰۰
قربانی قلدری	۰.۹۱۵	۰.۰۱۹	۴۸.۱۹۱	۰.۰۰۰
اثر تعدیل گر جنسیت - قربانی قلدری * جنسیت	۰.۸۷۵	۰.۰۵۴	۱۶.۳۰۹	۰.۰۰۰
افکار خودکشی - قصد اقدام به خودکشی	۰.۸۰۰	۰.۰۲۷	۳۰.۰۹۸	۰.۰۰۰
قربانی قلدری - قلدری سایبری	۰.۹۰۵	۰.۰۱۸	۵۱.۵۳۰	۰.۰۰۰

بر اساس یافته های پژوهش مقدار بار تمامی گویه ها از نظر آماری معنادار می باشد ($p\text{-value} < ۰/۰۵$) در نتیجه نیاز به حذف هیچ یک از متغیرها از مدل برآورد شده نمی باشد.

آزمون فورنل و لارکر - روایی تشخیصی

در تحلیل کمترین مربعات جزیی^۵ برای اعتبار تشخیصی که بیانگر وجود همبستگی های جزیی بین شاخص های یک سازه و شاخص های سازه های دیگر است از معیار (Larcker-Fornell فورنل و لارکر، ۱۹۸۱) استفاده می شود. معیار-Larcker-Fornell اشاره به این مساله دارد که ریشه دوم مقادیر واریانس شرح داده شده (AVE) هر سازه، بزرگتر از مقادیر همبستگی آن سازه با سازه های دیگر باشد. مقادیر موجود در روی قطر اصلی ماتریس، باید از کلیه مقادیر موجود در ستون مربوطه بزرگتر باشد (آذر و همکاران، ۱۳۹۱). در ذیل نمونه بیان ماتریس فورنل و لارکر بیان شده است:

^۴ Bagozzi & Yi

^۵ SEM-PLS

جدول (۷) ماتریس فورنل - لارکر

متغیر	افسردگی	افکار خودکشی	قربانی قلدری
افسردگی	۰.۸۷۷	۰.۵۴۵	۰.۲۳۴
افکار خودکشی	۰.۶۹۹	۰.۸۰۹	۰.۴۳۴
قربانی قلدری	۰.۳۴۴	۰.۶۶۵	۰.۹۱۰

همانطور که مشخص است مقادیر موجود در روی قطر اصلی ماتریس، از کلیه مقادیر موجود در ستون مربوط آن بزرگتر است و نشان دهنده آن است که در مدل ما دارای اعتبار تشخیص مناسبی است.

نیکویی برازش

برازش مدل ساختاری نیز به وسیله شاخص های R^2 تعدیل شده و Q^2 انجام می شود. یافته ها نشان می دهد مقادیر R^2 تعدیل شده ارائه شده است. چین^۶ (۱۹۹۸)، سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 معرفی می کند. بر این اساس مقدار R^2 و R^2 تعدیل شده متغیرهای وابسته مدل در سطح نسبتاً متوسط قرار دارند. برای بررسی برازش مدل کلی که هر دو بخش مدل اندازه گیری و ساختاری را کنترل می کند، از معیار GoF استفاده می گردد:

$$GoF = \sqrt{Communalities \times R^2}$$

$Communalities$ از میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان مرتبه اول به دست می آید. وتزل^۷ و همکاران (۲۰۰۹)، ص ۱۸۷) سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی GoF معرفی می کند.

جدول (۸) محاسبه نیکویی برازش مدل ساختاری

متغیر	R^2	مقادیر اشتراکی
افسردگی	۰.۱۱۸	۰.۱۱۴
افکار خودکشی	۰.۶۹۵	۰.۶۸۹

$$GoF = ۰/۴۰۳$$

حاصل شدن مقدار ۰/۴۰۳ برای GoF نشان از برازش کلی متوسط مدل دارد. با توجه به تایید مناسب بودن برازش مدل در ادامه ضرایب مسیر برآورد شده ارائه شده اند.

جدول (۹) ضرایب مسیر برآورد شده

نوع اثر	مسیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	احتمال
مستقیم	اثر تعدیل گر جنسیت -> افکار خودکشی	۰.۰۵۴	۰.۰۳۷	۱.۴۶۹	۰.۱۴۳
	افسردگی -> افکار خودکشی	۰.۵۳۶	۰.۰۳۹	۱۳.۶۱۶	۰.۰۰۰
	قربانی قلدری -> افسردگی	۰.۳۴۴	۰.۰۸۱	۴.۲۳۷	۰.۰۰۰
	قربانی قلدری -> افکار خودکشی	۰.۴۶۹	۰.۰۴۷	۹.۹۳۱	۰.۰۰۰
غیر مستقیم	قربانی قلدری -> افسردگی -> افکار خودکشی	۰.۱۸۴	۰.۰۴۵	۴.۰۹۳	۰.۰۰۰

^۶ Chin^۷Wetzels et al.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: علائم افسردگی در رابطه بین قربانی قلدری و افکار خودکشی تاثیر معناداری دارد.

بر اساس یافته های جدول ۱۰ ضریب مسیر قربانی قلدری به افکار خودکشی از طریق علائم افسردگی برابر ۰/۱۸۴ می باشد و مقادیر آماره t برابر ۴/۰۹۳ می باشد که نشان دهنده معناداری ضرایب برآورد شده هستند در نتیجه فرضیه حاضر مورد تایید قرار می گیرد.

جدول (۱۰) نتایج اجرای مدل معادلات ساختاری

فرضیه فرعی	متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	R	آماره t	نتیجه
اول	قربانی قلدری	علائم افسردگی	افکار خودکشی	۰.۱۸۴	۴.۰۹۳	تأیید

فرضیه دوم: بین قربانی قلدری و افکار خودکشی رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس یافته های جدول ۱۱ ضریب مسیر قربانی قلدری به افکار خودکشی برابر ۰/۴۶۹ می باشد و مقادیر آماره t برابر ۹/۹۳۱ می باشد که نشان دهنده معنادار بودن ضرایب برآورد شده هستند؛ در نتیجه فرضیه حاضر مورد تایید قرار می گیرد.

جدول (۱۱) نتایج اجرای مدل معادلات ساختاری

فرضیه اصلی	متغیر مستقل	متغیر وابسته	R	آماره t	نتیجه
	قربانی قلدری	افکار خودکشی	۰.۴۶۹	۹.۹۳۱	تأیید

فرضیه سوم: جنسیت در رابطه بین قربانی قلدری و افکار خودکشی تاثیر معناداری دارد.

بر اساس یافته های جدول ۱۲ ضریب مسیر قربانی قلدری به افکار خودکشی از طریق نقش تعدیل کننده جنسیت ۰/۰۵۴ می باشد و مقادیر آماره t برابر ۱/۱۴۶ می باشد که نشان دهنده معناداری ضرایب برآورد شده هستند در نتیجه فرضیه حاضر رد شد به این معنا که جنسیت تاثیری در افکار خودکشی افراد ندارد.

جدول (۱۲) نتایج اجرای مدل معادلات ساختاری

فرضیه فرعی	متغیر مستقل	تعدیل گری	متغیر وابسته	R	آماره t	نتیجه
دوم	قربانی قلدری	جنسیت	افکار خودکشی	۰.۰۵۴	۱.۱۴۶	تأیید

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش بررسی رابطه بین قربانی قلدری و افکار خودکشی با نقش واسطه ای علائم افسردگی و نقش تعدیل گر جنسیت بود. پژوهش حاضر از لحاظ رویکرد پژوهش در زمره تحقیقات کمی و از لحاظ روش پژوهش در زمره تحقیقات همبستگی دسته بندی گردید. جامعه آماری این پژوهش را نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله با زمینه های اقتصادی-اجتماعی متنوع تشکیل دادند که در مدارس متوسطه در منطقه ۲ شهر شیراز در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳ تحصیل کردند. تعداد ۲۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب و پرسشنامه های قربانی قلدری، افکار خودکشی و علائم افسردگی بین آن ها توزیع گشت. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS^{۲۴} و SMART PLS^۳ تجزیه و تحلیل شدند. در زیر به بررسی یافته های به دست آمده از فصل قبل پرداخته شده است.

فرضیه اول: علائم افسردگی در رابطه بین قربانی قلدری و افکار خودکشی تاثیر معناداری دارد.

بر اساس یافته‌های جدول (۴-۱۰) ضریب مسیر قربانی قلدری به افکار خودکشی از طریق علائم افسردگی برابر ۰/۱۸۴ بود و مقادیر آماره t برابر ۴/۰۹۳ بود؛ در نتیجه فرضیه حاضر مورد تایید قرار گرفت. این بخش از یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های امیری‌مصور و همکاران (۱۴۰۲)، شیخعلی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱)، نجفی و همکاران (۱۳۹۶) هم‌سو بود. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که افرادی که از سلامت روانی کافی برخوردارند تلاش می‌کنند تا در مواجهه با رویدادهای آسیب‌زا، از راهبردهای مقابله‌ای مناسب استفاده کرده و آن را حل‌وفصل کنند و محیط خود را تا آنجا که ممکن است شکل دهند و تاجایی که ضرورت دارد با آن سازگار شوند. درواقع افراد سالم در برخورد با مشکلات، به‌دنبال راه‌حل‌های منطقی هستند؛ اما افرادی که از سلامت روانی لازم برخوردار نیستند، ممکن است انگیزه لازم را برای زندگی نداشته باشند و هنگام رویارویی با مشکلات، به‌دنبال راهی برای فرار باشند که با توجه به مطالعات، در افراد افسرده راه فرار، خاتمه دادن به زندگی است. در مطالعه‌ای تأکید شده است که قرارگرفتن در معرض خشونت و آسیب روانی ممکن است باعث افزایش احساس افسردگی شود و همچنین روی توانایی مواجهه با استرس تأثیر بگذارد؛ بنابراین به پیامدهایی نظیر افکار خودکشی و تلاش برای خودکشی بینجامد.

افرادی که قربانی می‌شوند در خلال این دوره، تحت تأثیر تنش روانی خفیف تا متوسط قرار داشته‌اند که با نتایج حاصل از تحقیق ما همخوانی دارد. این امر می‌تواند به دلیل نگرانی‌های مختلف این افراد در حوزه خانوادگی و روابط اجتماعی روزمره نیز گسترش یابد و اینها خود ممکن است پیامدهای ناگواری چون افکار خودکشی و عمل به این افکار را در پی داشته باشد؛ همچنین در نظریه فشار عمومی فرض بر این است که احساسات منفی می‌توانند رابطه بین فشار و بزهکاری را تقویت کنند به اعتقاد برون (۱۹۹۹)، تجربه فشار، احتمال تجربه‌ی احساسات منفی مثل خشم، ناامیدی و افسردگی را که سبب ایجاد اعمال اصلاحی مثل رفتارهای ضداجتماعی (خودکشی) و بزهکاری می‌شوند، افزایش می‌دهد.

رابطه قلدری سایبری با خودکشی در ایران نیز مانند سایر کشورهاست. در این تبیین می‌توان گفت در ایران با پیشرفت فناوری و استفاده از گوشی‌های تلفن هوشمند، اکثر پسران و دختران دانش آموز به شبکه‌های اجتماعی پیوسته‌اند. این گروه وقتی در این فضاها همکلاسی‌ها و دوستان خود را در کنار هم و بدون حضور خود می‌بینند، احساس مستثابودن و تنهایی می‌کنند؛ پیامدهای روانی و عاطفی ناشی از زورگیری و مزاحمت سایبری خیلی شدیدتر از زورگیری و قلدری در زندگی واقعی است. زورگیری و مزاحمت در زندگی واقعی اغلب با اتمام ساعات درس و مدرسه به پایان رسیده، اما این مسئله درباره زورگیری سایبری وجود نداشته و حتی با گذشت زمان امکان وخیم‌تر شدن شرایط آن وجود دارد؛ تاجاییکه شخص حتی در خانه و خوابگاه هم احساس امنیت نمی‌کند ادامه این روند باعث احساس درد، درماندگی، تنهایی و با وجود افسردگی در این بین احتمال افکار خودکشی بیشتر می‌شود.

فرضیه دوم: بین قربانی قلدری و افکار خودکشی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته‌های به‌دست آمده از جدول (۱۱) ضریب مسیر قربانی قلدری به افکار خودکشی برابر ۰/۴۶۹ بود و مقادیر آماره t برابر ۹/۹۳۱ بود؛ در نتیجه فرضیه حاضر مورد تایید قرار گرفت. دانش‌آموزانی که مورد قلدری قرار می‌گیرند، انرژی خود را در مدرسه صرف ترس و نگرانی می‌کنند که کی و چگونه آن‌ها دوباره آزار خواهند داده شد. آن‌ها ممکن است از رفتن به مدرسه اجتناب کنند. آزار هیجانی، باعث تغییر در سیستم‌های پاسخ‌دهی عصب روان‌شناختی به فشار روانی می‌شود که با افزایش آسیب‌پذیری در برابر فشار روانی به افکار خودکشی و دیگر مشکلات انطباقی منجر می‌شود. نتایج یافته‌های اسپلاگه و هولت^۸ (۲۰۱۳) نشان داد که ۶۰ درصد از قربانیان قلدری در ۶ ماه گذشته افکار خودکشی داشتند و ۴۳ درصد از قربانیان قلدری تلاش کردند که به طور عمد به خودشان آسیب بزنند. در تبیین مزاحمت و آسیب‌پذیری روانی می‌توان گفت کسانی که آمادگی مادرزادی یا اکتسابی برای ناسازگاری‌ها و اختلال‌های روانی دارند، ممکن است در بزرگسالی با مزاحمت‌های از طریق ابزارهای

^۸ Espelage, D. L. and Holt, M

رایج تکنولوژی، مانند پست الکترونیک، پیامک، تماس تلفنی یا هر چیز دیگری از این قبیل و نیز آزار و اذیت ها و دیگر پیامدهای مرتبط با این مزاحمت های رسانه های اجتماعی، دچار اختلالات روانی شود؛ همچنین بخش عمده ای از هیجان های منفی ای که افراد تجربه می کنند، به دنبال تجارب منفی در ذهن شان ایجاد می شود و بر عواطف مثبت و منفی تأثیر می گذارد باعث تشدید هیجانات منفی می شود که این خود ممکن است با اختلالات روانی همراه شود.

نتایج نشان داد که قربانی با افکار خودکشی و زیرمؤلفه های آمادگی برای خودکشی ارتباط مثبت و معنی داری دارد. بنابراین می توان این طور استنباط کرد، افرادی که به صورت انعطاف ناپذیری این افکار ناکارآمد را در ذهن خود نگهداری می کنند، هنگامی مواجهه با یک رویداد آسیب زا، فشار روانی زیادی را متحمل می شوند؛ به همین دلیل ممکن است مواجهه با رویدادهای آسیب زا برایشان سخت شود و در نتیجه بیشتر در معرض آسیب هایی از جمله تمایل به افکار خودکشی و اقدام به انجام آن قرار گیرند.

فرضیه سوم: جنسیت در رابطه بین قربانی قلدری و افکار خودکشی تأثیر معناداری دارد.

بر اساس یافته های جدول (۱۲) ضریب مسیر قربانی قلدری به افکار خودکشی از طریق نقش تعدیل کننده جنسیت $0/054$ بود و مقادیر آماره t برابر $1/146$ بود؛ در نتیجه فرضیه حاضر رد شد به این معنا که جنسیت تأثیری در افکار خودکشی افراد ندارد. در این زمینه می توان استنباط نمود که ایده خودکشی با احتمال زیاد ماحصل یک وضعیت آسیب شناختی مستمر است که فرد برای رهایی از چنین وضعیت ناگواری بر اساس این ایده به خودکشی اقدام می نماید. مطالعه ژائو و یائو (۲۰۲۲) نشان داد که قربانی قلدری سهم برجسته ای در اقدام به خودکشی دارد، در تبیین این موضوع می توان بیان کرد که چنین صفاتی دال بر رگه های شخصیتی آسیب زا و در نتیجه عامل خطر برای اقدام به خودکشی هستند و می توانند در کنار دیگر عوامل خطر یا عدم عوامل محافظ اقدام به خودکشی را تسریع نمایند.

نتایج نشان داد که بین قربانی قلدری و افکار خودکشی در دختران و پسران ارتباط معنی داری وجود ندارد. و بر اساس این متغیرها پسران و دختران نسبت به افکار خودکشی قابل تفکیک نیستند. در رابطه با این یافته، شواهد متناقضی وجود دارد به گونه ای که در برخی از پژوهش های دیگر جنسیت نقش معناداری در افکار خودکشی داشته است. عوامل جمعیت شناختی نظیر جنسیت پیش بینی کننده مهم سلامت روان خواهد بود که به واسطه آنها نیز پیش بینی کننده احتمال اقدام به خودکشی است. بر اساس اطلاعات بدست آمده افسردگی و افکار خودکشی در زنان بیشتر از مردان است. در تبیین این یافته ناهمخوان با پژوهش های قبلی می توان استدلال نمود که اگر چه این عوامل به تنهایی عوامل مهمی هستند، روان پریشی سهم معناداری در پیش بینی اقدام به خودکشی ندارند و در طراحی مداخلات بایستی عوامل معنادار در اولویت قرار بگیرند. وجود جوامع پژوهشی متفاوت، تعاریف عملیاتی مختلف از متغیرهای مورد بررسی و نیز انواع روش های پژوهش می تواند تا حدودی تبیینی مناسب برای این یافته های متضاد باشد.

پیشنهادهای پژوهشی

۱. پیشنهاد می شود در پژوهش های آینده تأثیر متغیرهای بررسی نشده در این مطالعه نظیر حمایت اجتماعی و دیگر متغیرهای جمعیت شناختی از جمله سطوح درآمد و تحصیلات نیز مورد بررسی قرار گیرند.
۲. کارآزمایی های بالینی به منظور تدوین راهکارهای مناسب برای مداخله در این عوامل خطر انجام گیرند.
۳. عوامل محافظ نظیر عوامل مذهبی به عنوان عوامل کاهنده اقدام به خودکشی بررسی شود.

منابع

- امیری مصور، پریسا. شمسائی، فرشید. صادقیان، عفت. تاپاک، لیلی. مرادیوسی، لطیف. (۱۴۰۲). ارتباط افکار خودکشی با خودانتقادی و افسردگی در دانشجویان کارشناسی پرستاری، *روان پرستاری*، ۱۱ (۴): ۲۳-۳۲.
- بخارایی، احمد. (۱۳۹۱). *آسیب شناسی/انحرافات/اجتماعی*، تهران، پیام نور.
- حسینی، جعفر. میرآقایی، علی محمد. (۱۳۹۱). رابطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با ایده پردازی خودکشی، *روان شناسی معاصر*، شماره ۷، دوره ۱، ۶۱-۷۲.
- ریاحی، محمداسماعیل. محمودآبادی، زینب. (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی تفاوت‌های جنسیتی در افسردگی با تاکید بر مفهوم خود خاموشی در نهاد خانواده، *جامعه شناسی نهادهای/اجتماعی*، ۳ (۸): ۱۵۹-۱۹۳.
- شریف‌پور، آرزو. (۱۳۹۹). پیش بینی افکار خودکشی براساس ترومای دوران کودکی و رفتار قلدری در بین دانش آموزان متوسطه دوم شهرستان مریوان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان آذربایجان شرقی، مرکز پیام نور بناب.
- شیخعلی‌زاده، سیاوش. علیپور، فاطمه. شهبازیان خونیک، آرش. فریدی اسفنجان، جعفر. (۱۴۰۱). نقش تشخیصی خودبازداری، معنا در زندگی و افسردگی در احتمال خودکشی، *فصلنامه علمی/اندیشه‌های نوین تربیتی*.
- علیجان زاده کاشی، مانا. زربخش بحری، محمدرضا. (۱۳۹۸). تاثیر جنسیت در تعامل با اعتیاد بر افسردگی و افکار خودکشی، *پیشرفت‌های نوین در روانشناسی*، دوره ۲، شماره ۱۹، ۹۷-۱۰۵.
- کاپلان، هارولد. سادوک، بنیامین. (۱۳۸۹). *خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری، روانپزشکی بالینی*، ترجمه: پورافکاری، نصرت الله. تهران: شهر آب.
- کیوانلو شهرستانکی، عباس. (۱۳۹۶). مثلث شناختی افسردگی: جایگزینی مدل ذهنی طرحواره‌ای یا فعال شدن طرحواره‌ها؟ *کنگره/انجمن روانشناسی ایران*، دوره ۶، ۵۴-۶۶.
- منتظری، علی. موسوی، سیدجواد. امیدواری، سپیده. طاووسی، محمود. هاشمی، اکرم. رستمی، طاهره. (۱۳۹۲). افسردگی در ایران: مرور نظام‌مند متون پژوهشی، *فصلنامه پایش*، ۱۲ (۶): ۵۶۷-۵۹۴.
- موحدی، یزدان. موحدی، معصومه. هاشمی، تورج. ماشینچی عباسی، نعیمه. بازگیر، زهره. (۱۳۹۲). پیش بینی گرایش به خودکشی دانشجویان بر پایه دینداری، حمایت اجتماعی، جو خانوادگی و افسردگی، *فرهنگ در دانشگاه/سلامی*، ۳ (۱) (پیاپی ۱۰۶-۸۳): ۱۰۶-۸۳.
- یارمحمدی، مسیب. (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی طرحواره درمانی بر بهبود اختلال افسردگی اساسی عودکننده، رساله دکتری روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- Chen, Z., Cai, D., He, R., Liang, Y., Wen, L., Zhang, H., ... & Wang, Y. (۲۰۲۵). Sex differences in peer victimization and suicidal ideation among adolescents: a cross-sectional study. *BMC Public Health*, 25(۱), ۳۶۷۷.
- Cromer, K. D., Villodas, M. T., & Chou, T. (۲۰۱۹). Gender differences in psychological distress as a mediational pathway to suicidal ideation among adolescents at high risk for victimization by violence. *Psychology of violence*, 9(۶), ۵۸۷.
- Huang, Q. L., Ho, W. S., & Cheung, H. N. (۲۰۲۴, July). Exploring the mediating role of self-regulation in bullying victimization and depressive symptoms among adolescents: a cross-regional and gender analysis. In *Healthcare* (Vol. ۱۲, No. ۱۵, p. ۱۴۸۶). MDPI.
- Núñez-Fadda, S. M., Castro-Castañeda, R., Vargas-Jiménez, E., Musitu-Ochoa, G., & Callejas-Jerónimo, J. E. (۲۰۲۲). Impact of bullying—victimization and gender over psychological distress, suicidal ideation, and family functioning of Mexican adolescents. *Children*, 9(۵), ۷۴۷.
- Opara, I., Weerakoon, S. M., Brooks Stephens, J. R., Choe, T., Gunn III, J. F., & Thrasher, S. S. (۲۰۲۵). Relationship between suicide ideation and attempts, bully victimization, dating

violence, and depressive symptoms among Black and Hispanic youth. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 55(۱), e۱۳۰۱۵.

Strohacker, E., Wright, L. E., & Watts, S. J. (۲۰۲۱). Gender, bullying victimization, depressive symptoms, and suicidality. *International journal of offender therapy and comparative criminology*, 65(۱۰-۱۱), ۱۱۲۳-۱۱۴۲.

Williams, S. G., Langhinrichsen-Rohling, J., Wornell, C., & Finnegan, H. (۲۰۱۷). Adolescents transitioning to high school: Sex differences in bullying victimization associated with depressive symptoms, suicide ideation, and suicide attempts. *The Journal of School Nursing*, 33(۶), ۴۶۷-۴۷۹.

Zhao, R., & Yao, X. (۲۰۲۲). The relationship between bullying victimization and suicidal ideation among Chinese adolescents: The role of depressive symptoms and gender differences. *Journal of school violence*, 21(۱), ۶۰-۸۰.